

The main strategy of governance in the institutionalization of culture from the perspective of the Qur'an

vossouqirad, vahid

Assistant Professor Imam Khomeini Educational And Research Institute
vahid.oghi@gmail.com

naghipoorfar, valiollah

Associate Professor, Qom University
naghipoor@qom.ac.ir

Abstract

Institutionalization of culture means deepening and consolidating the beliefs, values and desirable behaviors of the main agents of community management (at different levels of government) in order to realize and implement their main policies in society. In the popular literature, different theories have been proposed about the main strategy of the government in institutionalization, which is often derived from the epistemological approaches that govern Western societies. One of the main tasks of researchers active in the field of Islamic humanities is theoretical explanation and design of models in accordance with Islamic principles and presuppositions. Contemplation has been used in the Qur'an (revelatory narration) according to the emerging strategy of the foundation. The findings of this study indicate that "institutionalization from the perspective of the Qur'an is a continuous process that can be positive (rising) or negative (declining), for the rise of those who seek to establish faith and for its decline for those Which are trying to establish infidelity ", the main strategy of the Islamic government according to the mentioned continuum, is in the form of rational reasoning and theoretical persuasion of the audience.

راهبرد اصلی حاکمیت در نهادینه سازی فرهنگ از منظر قرآن

وحید وثوقی راد

استادیار گروه مدیریت مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران.

نویسنده مسئول vahid.oghi@gmail.com

ولی الله نقی پورفر

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه قم، ایران.

naghipoor@qom.ac.ir

چکیده

نهادینه سازی فرهنگ، یعنی تعمیق و تثبیت باورها، ارزش ها و رفتارهای مطلوب و موردپسند کارگزاران اصلی اداره جامعه (در سطوح متفاوت حاکمیتی) در راستای تحقق و اجرایی نمودن سیاست های اصلی خود در جامعه. در ادبیات رایج نظریات متفاوتی در باب راهبرد اصلی حاکمیت در نهادینه سازی مطرح شده است، که غالباً برگرفته از رویکردهای معرفتی حاکم بر جوامع غربی است. یکی از وظایف اصلی پژوهشگران فعال در حوزه علوم انسانی اسلامی، تبیین نظری و طراحی الگوهای متناسب با مبانی و پیش فرض های اسلامی است، از این رو هدف اصلی این تحقیق بررسی «راهبرد اصلی حکومت اسلامی در نهادینه سازی فرهنگ از منظر قرآن» است، در این تحقیق از روش تدبر در قرآن (نقلی و حیانی) با توجه به راهبرد ظاهر شونده داده بنیاد استفاده شده است. یافته های این تحقیق نشانگر آن است که «نهادینه سازی از منظر قرآن فرآیندی است پیوستار گونه که می تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد، جهت اعتلای آن برای کسانی است که در صدد تثبیت ایمان و جهت انحطاط آن برای کسانی است که در صدد تثبیت کفر هستند»، راهبرد اصلی حکومت اسلامی با توجه به پیوستار مذکور، به صورت استدلال عقلانی و اقناع نظری مخاطبان است.

کلیدواژه ها: راهبرد، حاکمیت، نهادینه سازی، از منظر قرآن

تاریخ دریافت: ۰۰/۰۳/۱۴۰۱ تاریخ بازبینی: ۰۱/۰۱/۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۰۱/۰۱/۱۵

فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال ۱۱، شماره ۲، پیاپی ۴۳، بهار ۱۴۰۱، صص ۱۳۰-۱۶۴

مقدمه و بیان مسئله

یکی از مسائل پیشروی کارگزاران و متولیان امور، در حوزه‌های حاکمیتی و مدیریتی، نهادینه‌سازی فرهنگ متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های نظام حاکم می‌باشد، با توجه به اینکه هدف اصلی از انقلاب اسلامی مطابق قانون اساسی ایجاد نظامی بر پایه ایمان به خدا و اختصاص حاکمیت به او و لزوم تسلیم در برابر اوامر خداوند است (اصل دوم قانون اساسی) ارزش‌های والای فرهنگ اسلامی در بیان قوانین و چگونگی اداره جامعه نقش بنیادین دارد، از این‌رو تمامی ارکان تشکیل‌دهنده نظام مقدس جمهوری اسلامی، باید در همین راستا حرکت کنند و سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی بازوان اصلی تحقق ارزش‌های اسلامی و زمینه‌ساز حرکت جامعه به سوی ارزش‌ها باشند (موسوی خمینی ۱۳۸۶، ج ۱۲، ص. ۳۴۵)، با این حال در عمل مشاهده می‌کنیم، با وجود گذشت بیش از ۴۰ سال از پیروزی انقلاب اسلامی آن‌چنان‌که شاید و باید به ارزش‌های اسلامی توجه لازم نشده است و یا اگر در مقاطعی به ارزش‌ها توجه شده تلاشی برای نهادینه‌سازی آن‌ها انجام نگرفته است. یکی از دلایل اصلی این امر عدم وجود اتفاق نظر در چگونگی مواجهه با جامعه هدف و عدم وجود الگوی فراگیر برای نهادینه‌سازی ارزش‌های والای فرهنگ اسلامی می‌باشد. بنابراین تعیین رویکرد غالب در مواجهه با مخاطبان در قالب راهبردهای اصلی حاکمیت برای تأثیر در آحاد جامعه و تثبیت ارزش‌های موردنظر جزو اولویتهای هر حکومت است، اهمیت این امر تا بدان جاست که امروزه در آثار مربوط

به نظریه‌های دولت، مشخص کردن راهبرد اصلی حاکمیت در نهاده‌سازی به‌عنوان یکی از نظریه‌ها در کنار قالب‌های حاکم بر دولت‌ها مطرح می‌شود. (Hay, Lister and Marsh 2006, 98) در این منابع چهار رویکرد اصلی در قالب نظریه‌های مربوط به نهادگرایی بیانگر منطق حاکم بر دخالت دولت‌ها در فرایند نهاده‌سازی می‌باشد (Schmidt 2006, p.98-99) که به‌طور خلاصه عبارت‌اند از:

۱. نهادگرایی انتخاب عقلانی؛ راهبرد اصلی دولت برای تحقق اهداف خود از طریق نهاده‌سازی، جستجوی منطق علایق یا بیان منافع می‌باشد که بازیگران عاقل، از طریق آن ترغیب می‌شوند؛

۲. نهادگرایی تاریخی؛ راهبرد اصلی دولت برای تحقق اهداف خود از طریق نهاده‌سازی، پررنگ کردن ریشه‌های تاریخی موفق می‌باشد؛

۳. نهادگرایی جامعه‌شناختی؛ دولت‌ها خود را یک‌نهاد اجتماعی با چارچوبی فرهنگی می‌دانند که کارگزاران سیاسی بر مبنای منطق اقتضاء که از قوانین فرهنگی خاص نشئت می‌گیرد، برای تحقق فرایند نهاده‌سازی تلاش می‌کنند؛

۴. نهادگرایی استدلالی؛ دولت‌ها خود را مجموعه‌ای از نظریات و گفتمان تصور می‌کنند که در آن به توضیح، سنجش و قانونی کردن فعل سیاسی در زمینه‌های نهادی مطابق با منطق ارتباطات می‌پردازند.

با توجه به تأثیر مبانی و پیش‌فرض‌ها در نظریه‌ها و الگوها، یکی از وظایف اصلی پژوهشگران فعال در حوزه علوم انسانی اسلامی، تبیین نظری و طراحی الگوهای متناسب با مبانی و پیش‌فرض‌های اسلامی است. از این‌رو مشخص کردن راهبرد اصلی حاکمیت اسلامی در مواجهه با مخاطبان خود برای نهاده‌سازی عناصر اصلی فرهنگ در جامعه ضرورت پیدا می‌کند، از این‌رو در این تحقیق بعد از نقد و بررسی اجمالی این رویکردها سعی شده است با نگاهی جامع و مطالعه کل قرآن کریم راهبرد اصلی حاکمیت دینی در مواجهه با مخاطبان برای نهاده‌سازی ارزش‌ها کشف شود. به عبارت دیگر وظیفه اصلی این تحقیق استنتاج از قرآن شریف و کشف راهبرد اصلی حاکمیت در مواجهه با مخاطبان می‌باشد.

۱. اهداف و پرسش‌های تحقیق

• اهداف

هدف اصلی: بررسی مؤلفه «راهبرد اصلی حکومت در نهادینه سازی فرهنگ از منظر قرآن»

اهداف فرعی: برای تحقق این هدف اصلی، پیمودن چند گام اساسی به عنوان اهداف فرعی ضروری است.

۱. تبیین جایگاه نهادینه سازی در سطح حاکمیت در ادبیات رایج تا بتوان با تصویری واقعی آن را به منابع اسلامی عرضه نمود.
۲. شناسایی و مشخص نمودن مفاهیم مترادف و یا نزدیک به مفهوم نهادینه سازی در قرآن کریم است.
۳. استخراج راهبرد اصلی حاکمیت در نهادینه سازی فرهنگ

• پرسش های تحقیق

می توان این اهداف را در قالب دو سؤال مطرح نمود که عبارت اند از:

۱. مفهوم و ماهیت نهادینه سازی از منظر قرآن چیست؟
۲. راهبرد اصلی حاکمیت اسلامی در نهادینه سازی فرهنگ از منظر قرآن چیست؟

۲. پیشینه تحقیق

با جستجوی انجام شده، پژوهشی مستقل با عنوان «راهبرد اصلی حکومت در نهادینه سازی فرهنگ از منظر قرآن» یافت نشد، اما به طور کلی مطالعاتی مرتبط با این موضوع در حوزه مطالعات اسلامی انجام شده است که در این پژوهش ها مستقیماً درباره فرآیند نهادینه سازی با رویکرد اسلامی بحث شده است که مهم ترین آن ها عبارت اند از:

۱. مقاله ای با عنوان «نهادینه سازی وجدان کاری با رویکرد اسلامی»، (رحیمی ۱۳۹۱)، در این مقاله محقق راهکارهای نهادینه سازی وجدان کاری را در قالب سه راهکار اصلی (شناختی، گرایشی و رفتاری) از منابع اسلامی استخراج نموده است.
۲. مقاله ای با عنوان «راهکارهای نهادینه کردن اخلاق حرفه ای در سازمان ها از دیدگاه آموزه های دینی»، (حسینی و عباسی ۱۳۹۱)، این پژوهش باهدف ارائه راهکارهایی جهت نهادینه کردن اخلاق حرفه ای در سازمان ها از

دیدگاه آموزه‌های دینی انجام شده است. یافته‌های این پژوهش حاکی از آن است که به کارگیری نیروی انسانی مقید به رعایت اخلاقیات و قانون در سازمان‌ها، آموزش عملی اخلاق توسط کارکنان مقید و پایبند به رعایت اخلاقیات و قانون و در نهایت، تدوین منشور اخلاقی برای سازمان‌ها، از جمله راهکارهای نهادهای سازی اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها می‌باشند.

۳. کتاب با عنوان «جستارهای در سیاست‌های کلی نظام اداری»، (درودی و دیگران ۱۳۹۵) یک فصل از این کتاب با عنوان نهادهای سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی می‌باشد. در این فصل بعضی از راهکارهای مهم نهادهای سازی فرهنگ سازمانی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی احصاء شده است.

با توجه به پیشینه بیان شده، محقق بر این باور است که می‌توان چارچوبی جامع، برای نهادهای سازی فرهنگ با استفاده از منابع اسلامی استخراج نمود که راهبرد اصلی حاکمیت یکی از مؤلفه‌های اصلی این چارچوب می‌باشد.

۳. ملاحظات نظری تحقیق

با توجه به هدف این تحقیق (بررسی نهادهای سازی فرهنگ در سطح کلان و عمومی) که باید به آن پرداخت، مشخص کردن جایگاه نظریه نهادی در نظریه‌های مطرح در سطح حاکمیت، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در آثار مربوط به نظریه‌های دولت، نهادگرایی به عنوان یکی از نظریه‌ها در کنار قالب‌های حاکم بر دولت‌ها مطرح می‌شود. (Hay, Lister & Marsh 2006, 98)

قبل از بررسی نظریه‌های دولت (نهادگرایی در سطح حاکمیت) مرتبط با نهادهای سازی، ضرورت دارد ارتباط بین نهادهای سازی و نهادگرایی، تبیین شود از این رو ابتدا مقدمه‌ای کوتاه در این باب بیان می‌شود.

نهادی کردن عبارت‌اند از «تدارک و فراهم کردن زمینه‌هایی که موجب پایداری، ثبات، تداوم و فراگیر شدن رفتارهای مطلوب شود» (قلی‌پور ۱۳۸۴، ص. ۲۳) در حقیقت در ایجاد نهادها، سازوکارهایی که برای ایجاد نهاد و تثبیت محتوای به کاربرده می‌شوند اهمیت ویژه‌ای دارند، نظریه‌های نهادی چه در سطح سازمان و چه در سطح کلان در درون خود بیانگر سازوکار، اصلی به کار گرفته شده در فرایند نهادهای سازی می‌باشد لورنس و همکاران چهار سازوکار نفوذ، فشار (خشونت)، انضباط و تسلط را به منظور نهادهای سازی نام برده‌اند (Lawrence, Winn & Jennings 2001).

p.630) هر کدام از این سازوکارها در بردارنده اصول حاکم بر نظریه‌های نهادی در سطح سازمان می‌باشند، حال این نوشتار در صدد آن است تا سازوکار اصلی ایجاد نهاد در سطح حاکمیت را بیان نماید که از دل نظریه‌های نهادی به دست می‌آید. در حقیقت نهادهای سازشی فرایندی است که در صدد پیاده کردن سازوکار اصلی نظریه نهادی می‌باشد، در این تحقیق به آن سازوکار اصلی، راهبرد اصلی، گفته می‌شود. در ادامه نهادگرایی در سطح دولت از همین منظر موردبررسی واقع می‌شود که راهبرد اصلی هر کدام از این نظریه‌ها در سازوکار ایجاد نهاد چیست؟

نهادگرایی به دو حوزه: نهادگرایی اصیل و نهادگرایی نوین، قابل طبقه‌بندی است. نهادگرایان اصیل همچون **وودرو ویلسون**^۱ نهادهای رسمی دولت را در ابعاد سیاسی، اداری و قانونی بررسی می‌کنند. آنان، با استفاده از روش‌های توصیفی، روابط میان سطوح و شاخه‌های مختلف دولت را با توجه به تعریفی که فلسفه سیاسی سنتی از دولت ارائه کرده، توضیح می‌دهند. (Schmidt 2006, p.99-100)

در دهه ۵۰ و ۶۰ رویکردهای سیستمی به علوم سیاسی جایگزین نهادگرایی اصیل شد؛ مانند رویکردهای عمل‌گرایی ساختارگرا و یا سایر رویکردهای جامع‌نگر، نظیر تحلیل مارکس که در دهه ۶۰ و ۷۰ در اوج قرار داشتند و رفتارگرایی نیز که در دهه ۱۹۵۰ آغاز شده بود، همچون سایر نظام‌های سیاسی غالب، با تمرکز بر افراد و رفتار آن‌ها بر نهادگرایی اصیل سایه افکند بود. (Somit & Tanenhaus 1982)

نهادگرایی نوین که اخیراً به نظریه‌های دولت افزوده شده است، صرفاً یک نظریه برای دولت است. این نظریه، تلاش می‌کند به کمک نظریه‌پردازانی منتقد به رویکردهای عامل محور و رفتارگرایی حاکم، دولت را به جریان اصلی علوم سیاسی بازگرداند. شاخصه اصلی نهادگرایی نوین تأکید بر زمینه‌های نهادی است که وقایع سیاسی در آن رخ می‌دهد و نتایج و تأثیراتی ایجاد می‌کند. (Schmidt 2006, p.98)

نهادگرایی نوین برخلاف رفتارگرایی و انتخاب عقلانی بر میزان هدایت‌گری سیاسی و چشم‌اندازهای نهادی تأکید می‌کند و نیز، میراث تاریخی گذشتگان و تنوع جهت‌گیری استراتژیک بازیگران آن را نسبت به زمینه‌های نهادی بااهمیت می‌داند. (Hay 2002, p.p.14-15)

1. Woodrow Wilson.

چهار جریان اصلی، نهادگرایی نوین را شکل می‌دهد که عبارت‌اند از: نهادگرایی انتخاب عقلانی، نهادگرایی تاریخی، نهادگرایی جامعه‌شناختی و نهادگرایی استدلالی (p.p.98-99 2006, Schmidt) که در حقیقت اتخاذ هر کدام از این رویکردها از جانب حاکمیت، سیاست‌های حاکمیتی متناسب با خودش را در راستای ایجاد نهاد موردنظر خود می‌طلبد که همان راهبرد اصلی در فرایند نهاده‌سازی می‌باشد. اجمال این چهار رویکرد در ادامه بیان می‌شود.

• نهادگرایی انتخاب عقلانی

ریشه‌های این شاخه از نهادگرایی در مسائلی است که تحلیلگران انتخاب عقلانی در مواجهه با رفتار نمایندگان کنگره آمریکا با آن روبرو شدند. در سیاست آمریکایی‌ها، تحلیل‌های نهادگرایی انتخاب عقلانی در نظریات مدیران نهفته است که چگونه مدیران کنگره، مدیران اجرایی و احزاب سیاسی، قدرت را حفظ می‌کنند و نظر مساعد نمایندگان قدرت، ازجمله، کارکنان دولت و دادگاه‌ها را جلب می‌کنند. نهادگرایی انتخاب عقلانی به‌خوبی گرایش‌ها و انگیزه‌های پنهان در رفتار بازیگران عاقل در نهادهای خاص و نتایج احتمالی آن‌ها را، توضیح می‌دهد. هم‌چنین می‌تواند رفتارهای غیرمعتارفی را که خارج از انتظار هستند، تشخیص دهد؛ هرچند برای توضیح بهتر این‌گونه رفتارها می‌بایست زمینه‌های جامعه‌شناختی، تاریخی و استدلالی را در نظر گرفت رویکردهای این شاخه از نظریه، به‌شدت کارکردی و عمل‌گراست؛ زیرا ریشه‌های یک‌نهاد را با توجه به تأثیرات آن، توضیح می‌دهد و نیز، اراده‌گراست؛ زیرا تأسیس نهادها را برخاسته از یک فرایند شبه‌قراردادی می‌داند. (Schmidt 2006, p.p.102-103)

• نهادگرایی تاریخی

نهادگرایی تاریخی، در اواخر دهه ۱۹۷۰ با این نظریه که اقدام سیاسی را نمی‌توان به یک رفتار فردی و یا حتی گروهی تقلیل داد، پا به عرصه وجود گذاشت. این شاخه از نهادگرایی به شدت تحت تأثیر نهادگرایی اصیل و رویکردهای نظام‌های سیاسی، نظیر رویکردهای ساختارگرا-عمل‌گرا و مارکس است. تمایل به دولت و نهادهای رسمی حکومت از نهادگرایی اصیل وارد این شاخه از نهادگرایی شده است؛ تأکید بر ساختارها از رویکردهای ساختارگرا و عمل‌گرا و تمرکز بر قدرت با این تعریف که دولت دیگر دلال عصبی در میان گرایش‌های رقیب نیست، بلکه مجموعه‌ای از نهادهاست که می‌توانند سازنده شخصیت و نتایج تعارضات گروهی باشند؛ وام

گرفته شده است. (Hall & Taylor 1996, p.938) بنابراین، نهادگرایی تاریخی بیش از نهادگرایی انتخاب عقلانی بر دولت و توسعه نهادها متمرکز است. این شاخه از نهادگرایی نه تنها ساختارهای دولت را کاویده است، بلکه تمامی ساختارهایی که عامل حاکمیت هستند را نیز، بررسی می‌کند. (Schmidt 2006, p.p.104-105)

• نهادگرایی جامعه‌شناختی

این شاخه از نهادگرایی نیز، در اواخر دهه ۱۹۷۰ با رد رویکردهای روش شناختی گذشتگان، از جمله، رفتارگرایی و تحلیل‌های انتخاب عقلانی شکل گرفت. در این شاخه از نهادگرایی، دولت با نگاه فرهنگی، نه عقلانی نقش عمده دارد. عقلانیت، در نهادگرایی جامعه‌شناختی در اجتماع شکل می‌گیرد و ابعاد فرهنگی و تاریخی دارد. از این رو، توسط نهادهای فرهنگی تعریف می‌شود.

بنابراین، این شاخه از نهادگرایی تضاد کامل با دیدگاه‌های عقل‌گرایی نسبت به رفتار انسان دارد. به همین جهت، بهترین وجه قواعد و دریافت‌هایی که اعمال و هویت‌ها را شکل می‌دهند و بر گرایش‌ها، مشکلات و راه‌حل آن‌ها تأثیرگذارند، ترسیم می‌کند؛ زیرا این نظریه، بر این ادعا استوار است که فرهنگ، قواعد و هویت‌ها، بیش از آن که شکل‌دهنده گرایش‌ها باشند، پیرو و تابع گرایش‌ها هستند و گرایش‌ها یک امر بیرونی است. (Schmidt 2006, p.p.107-108)

• نهادگرایی استدلالی

نهادگرایی استدلالی به دلیل ناتوانی سه‌شاخه دیگر در توضیح تغییرها و نگاه ایستای آن‌ها به نهادها، شکل گرفته است. اندیشه در نهادگرایی استدلالی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. **داگلاس نورث**^۲ اندیشه را حلال مشکل، توضیح سازه‌های نهادی و حالات ذهنی مشترک، توصیف می‌کند. **مارک بلیث**^۳ با طرح دو سؤال، یکی این‌که: اگر اندیشه عامل ایجاد نهادهاست، چگونه نهادها می‌توانند اندیشه‌ها را به فعلیت برسانند؟ و دیگر این‌که اگر اندیشه‌ها حالات ذهنی هستند چه عامل تأثیرگذاری آن‌ها را بر محتوای گرایش‌های بشری متوقف می‌کند؟ به این موضوع پرداخته است. (Blyth 2003, p.p.2-3)

بنابراین، اندیشه، در نهادگرایی استدلالی، بنیادی‌ترین عامل است؛ زیرا طرفداران این نظریه معتقدند: همان‌طور که اندیشه می‌تواند بازیگران را وادار به تصویرسازی از

2. Douglass North.

3. Mark Blyth.

جهان کند، می‌تواند تصور آن‌ها را از جهان تغییر دهد. نهادگرایی استدلالی به افراد و گروه‌ها به‌عنوان محور ساختارهای سیاسی که اندیشه شکل‌دهنده مبانی اقدام جمعی را تولید می‌کند، توجه دارد. **هم‌چنین بر اهمیت استفاده از اندیشه در فرایند اقناع عمومی در امور سیاسی تأکید می‌کند.** درنهایت این که نهادگرایی استدلالی به‌خوبی از عهده تبیین پویایی تغییر برمی‌آید و از ورود به مسائل اقتصادی، تاریخی و فرهنگی و سایر شاخه‌های نهادگرایی اجتناب می‌کند. (Schmidt 2006, p.113)

حاصل گفته‌های فوق این است که: **نهادگرایی انتخاب عقلانی،** دولت را به‌مثابه یک بازیگر منطقی در جستجوی منطق علایق یا ساختاری از انگیزه‌هایی که بازیگران عاقل، علایق خود را در آن جستجو می‌کنند، تصویر می‌کند. **نهادگرایی تاریخی،** بر ریشه‌ها و پیشرفت دولت و اجزاء وابسته به آن تمرکز دارد و این مسئله را با نتایج غالباً ناخواسته، انتخاب‌های هدفمند و شرایط اولیه بی‌نظیر تاریخی را توضیح می‌دهد. **نهادگرایی جامعه‌شناختی،** دولت را یک‌نهاد اجتماعی با چارچوبی فرهنگی می‌داند که کارگزاران سیاسی بر مبنای منطق اقتضاء که از قوانین فرهنگی خاص نشئت می‌گیرد، در آن به کار مشغول‌اند. **نهادگرایی استدلالی** دولت را مجموعه‌ای از نظریات و گفتمان تصور می‌کند که در آن بازیگران به توضیح، سنجش و قانونی کردن فعل سیاسی در زمینه‌های نهادی مطابق با منطق ارتباطات می‌پردازند (Schmidt 2006, p.99). در جدول ذیل خلاصه‌ای از رهیافت‌های چهار نهادگرایی جدید با توجه به اهداف، منطق تبیین، توانایی در تبیین تغییر و نمونه‌های از حوزه‌های مهم ارائه شد است.

جدول ۱: چهار نهادگرایی جدید (Schmidt 2006, P. 115)

نهادگرایی انتخاب عقلایی	نهادگرایی تاریخی	نهادگرایی جامعه‌شناختی	نهادگرایی استدلالی
هدف تبیین	رفتار عقلایی	ساختارهای تاریخی	دیدگاه‌ها و گفتمان

منطق تبیین	منفعت	وابستگی به مسیر	تناسب	ارتباط (گفت‌وگو)
توانایی در تبیین تغییر و تداوم	ایستا: تأکید بر تداوم از طریق ترجیحات مشخص و ثابت	ایستا: تأکید بر تداوم از طریق وابستگی به مسیر	ایستا: تأکید بر تداوم از طریق هنجارهای فرهنگی	پویا: تأکید بر تغییر و تداوم از طریق ایده‌ها و تعامل استدلالی
نمونه‌ها	نظریه اصل-عامل و نظری بازی	فرایند نهادگرایی تاریخی که اقسام سرمایه‌داری را توصیف می‌کند	برساخت‌گرایی، هنجارها، تحلیل فرهنگی	ایده‌ها، گفتمان، برساخت‌گرایی، روایت‌ها، قالب‌ها، ائتلاف طرف‌داری و ارتباطات معرفتی

• نقد اجمالی رویکردهای غربی

در این مقاله ما درصدد نقد تفصیلی نظریه‌های نهادی نیستیم که این خود نیازمند مقاله‌ای مستقل است اما به‌طور اجمالی در دو سطح به‌نقد نظریه‌های چهارگانه در باب راهبرد اصلی حاکمیت در نهاده‌سازی پرداخته می‌شود.

سطح اول: نقد درون علمی است و مربوط است به‌نقد خود اندیشمندان غربی بر این رویکردها، سیر تاریخی پدید آمدن این رویکردهای چهارگانه مبین این مطلب است که علت اصلی به وجود آمدن رویکردهای مؤخر، ناشی از عدم توانایی و پاسخگویی رویکردهای قبلی است چنانچه به‌وضوح این مطلب در توجیه نهادگرایی استدلالی بیان شده است که علت اصلی اقبال و روی آوردن دانشمندان به نهادگرایی استدلالی عدم توفیق سه رویکرد قبلی است.

سطح دوم: نقد مبانی و پیش‌فرض‌های اساسی از منظر اسلام است. علاوه بر نقد درون علمی بیان شده، نقدی مبنایی بر این رویکردها از منظر دینی وارد است، مخصوصاً بر رویکرد چهارم که موجه‌ترین این رویکردها است، چنانچه اشاره شد پیش‌فرض و مبانی شکل‌گیری این رویکردها از پیش‌فرض‌ها و مبانی غربی گرفته شده است. رویکرد نهادگرایی انتخاب عقلایی نشئت گرفته از مکتب سرمایه‌داری با محوریت و عاملیت انسان است و دو رویکرد نهادگرایی تاریخی و جامعه‌شناسی نیز به

سمت محوریت ساختار و عاملیت و اصالت ساختارها در حرکت هستند و رویکرد چهارم (نهادگرایی استدلالی) در صدد تلفیق دو نظریه عامل-ساختار بیان شده است در حقیقت این چهار رویکرد را می‌توان به‌صورت طیفی در نظر گرفت که یکسر آن به مکتب سرمایه‌داری و لیبرال دموکراسی و طیف دیگر آن به مکتب سوسیالیستی و حاکمیت ساختارها برمی‌گردد و حد وسط آن‌ها رویکرد چهارم یعنی نهادگرایی استدلالی است، اما نقد دو سر طیف (لیبرالیسم-سوسیالیست) از منظر اسلامی بیان شده است که برای مطالعه نقدها به دو کتاب ارز شمند جامعه و تاریخ علامه مصباح یزدی (مصباح یزدی ۱۳۹۱) و مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی: جامعه و تاریخ شهید مطهری (مطهری ۱۳۹۲) مراجعه شود. اما رویکرد چهارم (نهادگرایی استدلالی) که در نگاه اول رویکردی متعادل و نزدیک به مبانی اسلام دیده می‌شود و در بطن خود توجه به مخاطب و اهمیت استدلال برای جلب توافق عامه را ضروری می‌داند. اشکال اساسی که بر این نظریه وارد است برمی‌گردد بر مبنای اصلی این نظریه، شاکله اصلی این نظریه مبتنی است بر نظریه هژمونی گرامشی به این معنا که حاکمان برای مقبولیت و مشروعیت خود باید با استدلال رضایت عامه را جلب کند. (گرامشی ۱۳۸۳) نقطه ظریف اختلاف مبنایی بین این نظریه و دیدگاه اسلام در این است که در دیدگاه گرامشی برای جلب رضایت عامه، سیاستمداران برای توجیه تصمیمات خود باید استدلال‌های قابل قبول ارائه کنند و هژمونی (سلطه) خود را مبتنی بر استدلال و منطق قرار بدهند. درحالی‌که از منظر اسلام ملاک اصلی مشروعیت حاکمیت مطابق حق و فطرت انسان بودن است. از این‌رو در بیان راهبرد اصلی اسلام (استدلال عقلی و اقناع نظری) که موضوع این مقاله است، بحث جلب رضایت و اقناع نظری مخاطب، مبتنی است بر یک مقدمه واجب و آن مطابق با حق بودن محتوای موردنظر است، در حقیقت در راهبرد اصلی اسلام در نهادینه‌سازی محتوای (فرهنگ) موضوعیت اصلی دارد و باید مطابق با حق و شریعت باشد درواقع، در این دیدگاه شاکله اصلی «فرهنگ اسلامی» را همان عناصر اصلی دین، یعنی اعتقادات، ارزش‌ها و رفتارهای صادره از آن‌ها تشکیل می‌دهد و «دین، مجموعه‌ای است از باورهای قلبی و رفتارهای عملی متنا سب با آن باورها» که در بخش باورها، اعتقاد به یگانگی خدا و صفات جمال و جلال او و اعتقاد به نبوت و اعتقاد به معاد قرار دارد که از آن به «اصول دین» یا «اصول عقاید» تعبیر می‌شود. همچنین در بخش رفتارها، تمام رفتارهای متناسب با باورها که برحسب اوامر و نواهی الهی و به‌منظور پرستش و

بندگی خدای متعال انجام می‌شود، قرار دارد که از این بخش با عنوان «فروع دین» یاد می‌شود. (مصباح یزدی ۱۳۸۸، ص. ۱۴۹)

در حالی که در رویکرد چهارم نظریات غربی آن چیزی که اهمیت دارد منطقی و مستدل جلوه دادن نظر حاکمان است فارغ از اینکه آیا این محتوا مطابق با حق هست یا نیست.

۴. روش تحقیق

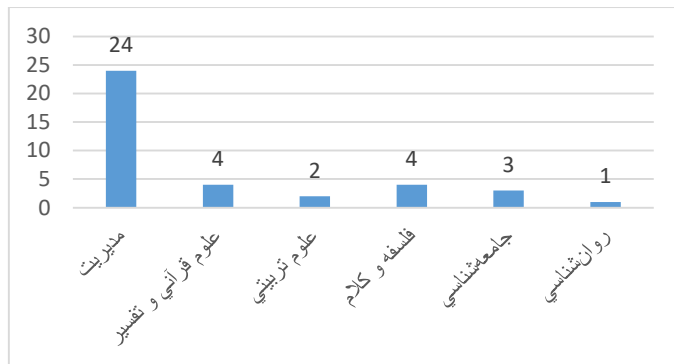
روش اصلی این تحقیق، روش تدبر در قرآن (نقلی و حیانی) می‌باشد، روش «نقلی و حیانی» ناظر به منبع نقلی و حیانی (کتاب و سنت) روشی اجتهادی است و ابزارهای مستقیم (عقل مصباحی، حس و تجربه و قلب) و غیرمستقیم (ادبیات عرب، علم اصول و مانند آن) در استنباط از قرآن، سنت و ملحقات سنت را در برمی‌گیرد و مهم‌ترین روش اجتهاد در تفکر اسلامی می‌باشد. (کارگروه بنیادین مدیریت اسلامی ۱۳۹۷، ص. ۱۰۹) جهت‌گیری پژوهش حاضر بنیادی و در زمره پژوهش‌های کیفی قرار داشته و از میان انواع راهبردهای پژوهش کیفی، راهبرد داده بنیاد ظاهر شونده را مورد استفاده قرار داده است، از آنجایی که در فرصت محدود مقاله امکان بررسی نگاه قرآن و روایات اسلامی به‌ویژه به دلیل گستردگی متون روایی، به‌طور هم‌زمان امکان‌پذیر نیست، نویسنده در این مقاله به‌طور خاص بر قرآن کریم به‌عنوان اصیل‌ترین و موثق‌ترین متن اسلامی تمرکز خواهد داشت. رسیدن به این هدف چندین گام اساسی و پی‌درپی انجام شد که در ذیل فقط به عناوین اصلی آن‌ها اشاره می‌شود.

• انتخاب کلیدواژه محوری

با توجه به این که در ادبیات قرآنی واژه‌ای مترادف با مفهوم نهادینه‌سازی یافت نشد با انجام مصاحبه‌های مختلف و جمع‌آوری نظر خبرگان و مراجعه مداوم به متون، واژه‌های مترادف و هم‌معنا با نهادینه‌سازی احصا شد و بعد از بررسی آن‌ها واژه «تثبیت» انتخاب شد. با توجه به تخصصی بودن پرسش‌نامه، در انتخاب خبرگان با وسواس و دقت فراوان، سعی شده خبرگان محترم دارای ویژگی‌های ذیل باشد

۱. همه خبرگان دارای تحصیلات حوزوی در سطوح بالا باشند.
۲. خبرگان علاوه بر تخصص حوزوی در یکی از رشته‌های مرتبط دارای مدرک دکتری بودند.

۳. دو نفر از خبرگان در میان حوزویان مشهور به اجتهاد هستند (آیت‌الله رجبی و آیت‌الله فیاضی).
نمودار ۱ فراوانی خبرگان از حیث تخصص نشان داده شده است.



نمودار ۱: نمودار ستونی فراوانی خبرگان از حیث تخصص

• بررسی کلیدواژه محوری

کلیدواژه تثبیت به صورت جداگانه در دو کتاب تفسیر نمونه و فرهنگ قرآن در کتابخانه الکترونیک نور مورد بررسی قرار گرفت.

سازمان: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) | آفرایش اعتبار | کاربر جازکده وحید ونوقی راد | خروج

ت موضوعی | جستجوی پیشرفته | پدیدآورندگان | فهرست کتابخانه ها

امکانات

مدیریت نمایه

تعریف نمایه جدید، اصلاح نام یا حذف نمایه در پروژه فعال، از این پنجره امکان است. با کلیک روی صفحات تمام صفحات متناسب به نمایه مورد نظر نمایه می شود.

صفحات ارجاعی از کتاب

ردیف	صفحات	اصلاح	حذف	توضیحات
34	صفحات (1)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»
35	صفحات (3)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»
36	صفحات (1)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»
37	صفحات (1)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»
38	صفحات (1)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»
39	صفحات (1)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»
40	صفحات (1)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»
41	صفحات (0)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»
42	صفحات (2)	اصلاح	حذف	تثبیت «توسعه بر سبب به وسیله»

کدهای استخراج شده

تعداد کدهای مستخرج از فرهنگ قرآن

خروج | نمایه جدید

شکل ۱: نمای از کدهای مستخرج از فرهنگ قرآن



شکل ۲: نمای از کدهای مستخرج از تفسیر نمونه

• بارگذاری کدها بر روی نرم افزار



شکل ۳: نمونه‌های از کدگذاری اولیه مستخرج از مطالعه کل قرآن در نرم‌افزار اطلس تی‌آی

• ادامه کدگذاری باز با مطالعه کل قرآن^{۱۱}

کد استخراج شده از دو کتاب فرهنگ قرآن و تفسیر نمونه به انضمام کدهای استخراج شده از مصاحبه‌ها و پیشنهادهای خبرگان با استفاده از نرم‌افزار اطلسی تی‌آی بر روی متن قرآن شریف بارگذاری شده که مجموع آن‌ها به ۱۷۹ کد رسید آن‌چنانی که در شکل ۴ نشان داده شده است تمامی این کدها برآیند نظر خبرگان و رجوع به دو کتاب فرهنگ قرآن و تفسیر نمونه می‌باشد، از این‌رو دارای پشتوانه بسیار قوی می‌باشد می‌توان ادعا کرد که چارچوبی اصلی کار نیز بر روی همین ۱۷۹ کد بسته شده است و محقق تلاش بر این بوده است که در طول مطالعه قرآن کریم آن‌ها را در نظر بگیرد.

Name	Density	Groups
کارگزار و ویژگی‌ها و وظایف	2	0
نشانه های ایمان	1	0
هدایت [نشانه ایمان: تقوی: مباحث مربوطه]	2	0
مراحل: استقامت	21	0
مکانیسمها و روشهای نهادینه‌سازی [مراحل: انگیزش]	1	0
عوامل تثبیت‌آورنده	1	0
نتیجه نهادینه شدن ارزش‌های به مسیر رشد	3	0
نتیجه: کور کر و لال	2	0
فرایند تفکر	41	0
کارگزار و ویژگی‌ها و وظایف	2	0
نتیجه نهادینه شدن ایمان: رستگاری	3	0
امکان تزلزل ایمان بعد از تثبیت	14	0
نتیجه: ایمان: اثر بردن نبیست و جاودانگی در آن	5	0
آگاهی: بخشی: تلاوت قرآنی	1146	0

Comment: Edited 02/06/1396 09:56 by Super

کد ۷: استاد غلامرضا عزیزی کیا (تفسیر و علوم قرآنی)

شکل ۴: نمایشی از کدهای اولیه و ویژگی‌های آنان در نرم‌افزار اطلس تی‌آی

• استخراج مقوله‌های اصلی و محوری^{۱۲}

در مرحله بعد با توجه به خانواده‌های استخراج شده و مرور مجدد کدها مبتنی بر چارچوب نظرات خبرگی مدل نهاده‌سازی از منظر قرآن شامل هشت مقوله اصلی به دست آمد.

مقوله اول: ماهیت و مفهوم نهاده‌سازی از منظر قرآن؛

مقوله دوم: راهبرد اصلی حکومت در نهاده‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛

مقوله سوم: وظایف حاکمیت در نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛

مقوله چهارم: الزامات نهادینه‌سازی فرهنگ از منظر قرآن؛

مقوله پنجم: تسهیل‌گرهای نهادینه‌سازی فرهنگ (سطح خرد و کلان) از منظر

قرآن؛

مقوله ششم: مخاطب شناسی و اصول حاکم بر آن از منظر قرآن؛

مقوله هفتم: محتوای نهادینه‌سازی از منظر قرآن؛

مقوله هشتم: فرایند نهادینه‌سازی از منظر قرآن.

در جدول ۲ مقوله اصلی ناظر به این مقاله یعنی «راهبرد اصلی حاکمیت در نهادینه‌سازی فرهنگ» همراه با مقوله محوری آن «استدلال عقلی و اقناع نظری» و کدهای اولیه ذیل آن نشان داده شده است.

جدول ۲. مراحل سه‌گانه کدگذاری در قالب روش داده بنیاد

مقوله اصلی	مقوله محوری	کدهای اولیه
راهبرد اصلی حاکمیت	استدلال عقلی و اقناع نظری	• تأکید بر پشتوانه قوی محتوای نهادینه‌سازی • آوردن برهان • استفاده استدلال و مناظره • بیان فلسفه احکام • بیان کامل و بدون غلو و کاستی • دعوت حتی از دشمنان • مهلت به مخالف برای اندیشیدن

۵. یافته‌های تحقق

• تعریف نهادینه‌سازی از منظر قرآن

برای تبیین مفهوم نهادینه‌سازی از منظر قرآن و ارائه تعریفی مشخص از آن (پاسخ به سؤال اول تحقیق) می‌توان از نتایج حاصله از پرسش‌نامه آزمون خبرگی به‌عنوان شروع کار استفاده نمود. نتایج حاصل از پرسش‌نامه ۱ نشانگر آن است که

واژه تثبیت از نظر خبرگان بیشترین قرابت را به مفهوم نهاده‌سازی دارد همچنانی که در جدول ۳ مشاهده می‌شود شش واژه انتخابی از یک تا شش رتبه‌بندی شدند که در آن ۲۲ نفر از خبرگان واژه تثبیت را در رتبه یک امتیازبندی نمودند

جدول ۳: رتبه‌بندی‌های حاصل از پرسش‌نامه

رتبه‌بندی‌های حاصل از پرسش‌نامه							
رتبه	رتبه ۱	رتبه ۲	رتبه ۳	رتبه ۴	رتبه ۵	رتبه ۶	جمع
تأکید	۵	۱۰	۷	۳	۳	۸	۳۶
تثبیت	۲۲	۵	۴	۱	۱	۲	۳۶
سکینه	۱	۳	۴	۴	۶	۱۷	۳۶
شدت	۱	۹	۶	۹	۳	۸	۳۶
مستقر	۴	۱۰	۴	۷	۳	۸	۳۶
یقین	۷	۵	۶	۱	۷	۹	۳۶

در ادامه همچنانی که در جدول ۴ قابل مشاهده است امتیازبندی با اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده انجام شده که حاصل جمع امتیازات هر کدام از واژگان قابل مشاهده است به‌عنوان مثال واژه تثبیت در مجموع ۱۸۰ امتیاز کسب کرد.

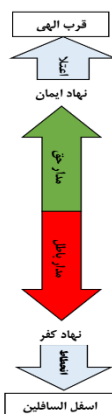
جدول ۴: امتیازبندی با و اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده

امتیازبندی با اعمال ضرایب ارزش‌گذاری شده							
امتیاز	امتیاز ۱	امتیاز ۲	امتیاز ۳	امتیاز ۴	امتیاز ۵	امتیاز ۶	جمع
تأکید	۳۰	۵۰	۲۸	۹	۶	۸	۱۳۱
تثبیت	۱۳۲	۲۵	۱۶	۳	۲	۲	۱۸۰
سکینه	۶	۱۵	۱۶	۱۲	۱۲	۱۷	۷۸
شدت	۶	۴۵	۲۴	۲۷	۶	۸	۱۱۶
مستقر	۲۴	۵۰	۱۶	۲۱	۶	۸	۱۲۵
یقین	۴۲	۲۵	۲۴	۳	۱۴	۹	۱۱۷
							۷۴۷

نتایج حاصله نشانگر آن است که واژه تثبیت بالاترین امتیاز را دارد. در نتیجه «تثبیت» مفهوم کلیدی نهاده‌سازی می‌باشد.

فرایندی بودن نهادهینه‌سازی؛ نتایج حاصل از پرسش‌نامه ۲ آزمون خبره‌ای (مراحل اصلی و گام‌های هر مرحله از نهادهینه‌سازی از منظر قرآن) نشانگر این مطلب بود که تمامی خبرگان بر فرایندی بودن نهادهینه‌سازی تأکید دارند.

پس تا بدین جا می‌توان گفت نهادهینه‌سازی از منظر قرآن «فرایندی است برای تثبیت». با پایه قرار دادن این دو مؤلفه اصلی و رجوع به کدهای استخراج‌شده از متن قرآن می‌تواند مؤلفه‌های دیگر تعریف را استخراج نمود. نتیجه حاصله از بررسی آیات درباره ماهیت نهادهینه‌سازی،^[۱۱] بیانگر این مطلب است که نهادهینه‌سازی از منظر قرآن، همچنانی که در نمودار ۱ قابل مشاهده است، به صورت یک پیوستار قابل تبیین است، که در این پیوستار همواره برای نهادهینه‌سازی ارزش‌ها باید به نقطه مقابل آن، یعنی چگونگی عملکرد رقبا و دشمنان برای نهادهینه‌سازی ضد ارزش‌ها توجه شود، به عبارت دیگر نمی‌توان بدون توجه به عملکرد جبهه مقابل فرایند تثبیت ارزش‌ها را طی نمود، از این رو می‌توان نهادهینه‌سازی را در قالب یک پیوستار در نظر گرفت که یک سمت پیوستار عبارت‌اند از نهادهینه شدن ارزش‌های الهی که در قالب نهادهینه شدن «ایمان» و حرکت در مدار حق قابل تصور است و یک سمت دیگر این پیوستار می‌تواند نهادهینه شدن ارزش‌های شیطانی باشد که در قالب نهادهینه شدن «کفر» و حرکت در مدار باطل قابل تصور است. این پیوستار دارای ویژگی‌های^[۱۲] برجسته‌ای است.

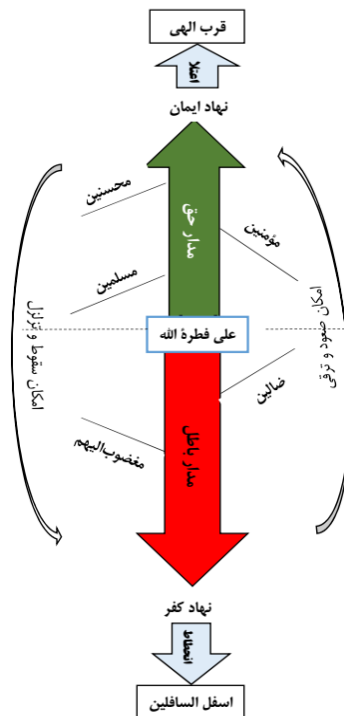


نمودار ۱: پیوستار نهاده‌سازی

با در کنار هم قرار دادن مباحث مطرح شده در این قسمت، می‌توان نهاده‌سازی را از منظر قرآن این‌گونه تعریف نمود: «نهاده‌سازی از منظر قرآن فرآیندی است پیوستار گونه که می‌تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد، جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفر هستند».

• استدلال عقلی و اقناع نظری از منظر قرآن (راهبرد اصلی)

بعد از روشن شدن ماهیت و مفهوم نهاده‌سازی از منظر قرآن که یک مقدمه کلیدی برای ورود به بحث اصلی می‌باشد، به بررسی دیدگاه قرآن درباره راهبرد اصلی حاکمیت در فرایند نهاده‌سازی پرداخته می‌شود. در پیوستار نهاده‌سازی که از منظر قرآن جهت مثبت و منفی دارد انتخاب رویکرد اصلی کارگزاران حکومتی بستگی به نوع مخاطب دارد، در پیوستار نهاده‌سازی از منظر قرآن بُعد مثبت آن را می‌توان در سه مرتبه دیانت (مسلمین، مؤمنین و محسنین) ^{۱۱۱} نظر گرفت که سیر صعودی داشته و کارگزاران نهاده‌سازی همچنانی که در نمودار ۲ قابل مشاهده است در سه مرتبه اول سعی می‌کنند با تثبیت الزامات مربوط به آن مرحله مقدمات ارتقای سطح دیانت به مراتب بالاتر ایمان را فراهم کنند و همچنین سعی می‌کنند مخاطبان غیرمسلمان را به درجات بالاتر هدایت نمایند تا وارد سیر صعودی شده و مراتب بالاتر ایمان تا رسیدن به قرب الهی ادامه دهند. در مقابل نیز سیر سقوطی پیوستار قرار دارد که شیاطین انس و جن (کارگزاران نهاده‌سازی کفر) در تلاش هستند با رخنه در مراتب ایمان مخاطبان آن‌ها را به درجات پایین‌تر برده و به سوی انحطاط و کفر و نابودی بکشانند.



نمودار ۲: جایگاه مخاطب در پیوستار نهادینه‌سازی

چنانکه بیان شد از منظر قرآن کریم راهبرد اصلی و حاکم بر رفتار کارگزاران در فرایند نهادینه‌سازی عبارت‌اند از استدلال عقلی و اقناع نظری آن‌ها، به عبارت دیگر مهم‌ترین نکته‌ای که در مواجهه با مخاطبان نهادینه‌سازی باید به آن توجه نمود عبارت‌اند از بیان دلیل و استفاده از استدلال. ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَ جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (النحل، ۱۲۵) «از آیه استفاده می‌شود که این سه قید، یعنی «حکمت» و «موعظه» و «مجادله»، همه مربوط به طرز سخن گفتن است، رسول گرامی مأمور شده که به یکی از این سه طریق دعوت کند که هر یک برای دعوت، طریقی مخصوص است، هرچند که جدال به معنای اخشاش دعوت به شمار نمی‌رود.» (طباطبایی ۱۳۹۰، ج ۱۲ ص ۵۳۴) با توجه به نگاهی که خداوند نسبت به انسان دارد و انسان را فطرتاً حق جو می‌داند، در آیات فراوانی به کارگزاران خود توصیه می‌کند که در مقام برخورد با مخالفان و دعوت آن‌ها، به این اصل مهم توجه داشته باشد، که در ادامه به بیان جلوه‌های مهم این راهبرد اشاره می‌شود.

• تأکید بر پشتوانه قوی محتوای نهاده‌سازی

از منظر قرآن کریم برای اقناع و اعتماد مخاطب نهاده‌سازی محتوا باید پشتوانه قوی داشته باشد (۵۴ نقل قول) چنان که در آیه اول سوره مبارکه هود خداوند حکمت و آگاهی خویش را پشتوانه محتوا (آنچه نازل شده است) $\text{الر كِتَابٌ أُحْكِمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ}$ (هود، ۱) الر، این کتابی است که آیاتش استحکام یافته؛ سپس تشریح شده و از نزد خداوند حکیم و آگاه (نازل گردیده) است!

در اکثر سوره‌های که شروع آن‌ها با معرفی قرآن (محتوا) است بلافاصله شروع به بیان اوصاف و ویژگی‌های خداوند (مانند خالق بودن دانا و حکیم بودن و...) به عنوان پشتوانه و طراح اصلی محتوای قرآن می‌پردازد تا مخاطب نهاده‌پند شدن به آن اعتماد کند.

• آوردن برهان

یکی دیگر از نمودهای استفاده از منطق استدلال و اقناع نظری مخاطب در نهاده‌سازی از منظر قرآن آوردن برهان (۱۰ نقل قول) است. $\text{يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِنْ رَبِّكُمْ...}$ (النساء، ۱۷۴) ای مردم! دلیل روشن از طرف پروردگارتان برای شما آمد؛

«کلمه: «برهان» به معنای بیان دلیل است و این کلمه بر وزن «فعلان» است مانند رجحان و «ثیان» و بعضی از علمای ادب گفته‌اند: این کلمه مصدر است و فعل «بره یبره» از آن مشتق می‌شود که به معنای «روشن شد و روشن می‌شود» است. پس بر این حساب این کلمه در هر حال مصدر است ولی بسا می‌شود که در معنای فاعل استعمال می‌شود و این وقتی است که خود دلیل و حجت را برهان بخوانند، یعنی روشن‌کننده.» (طباطبایی ۱۳۹۰، ج ۵ ص ۲۴۸) $\text{وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ...}$ (البقرة، ۲۴۸)

و پیامبر شان به آن‌ها گفت: «نشانه حکومت او، این است که (* صندوق عهد*) به‌سوی شما خواهد آمد.

«آیه نشان می‌دهد که گویا بنی‌اسرائیل هنوز به مأموریت طالوت از سوی خداوند حتی با تصریح پیامبرشان اشموئیل، اطمینان پیدا نکرده بودند و از او خواهان نشانه و دلیل شدند، پیامبر آن‌ها به آنان گفت، نشانه حکومت او این است که صندوق عهد

به سوی شما خواهد آمد که در آن آرامشی از سوی پروردگارتان برای شما است، همان صندوقی که یادگارهای خاندان موسی و هارون در آن است، درحالی که فرشتگان آن را حمل می کنند، در این موضوع، نشانه روشنی برای شما است، اگر ایمان داشته باشی» (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۸۰، ج ۲ ص. ۲۳۹)

• استفاده استدلال و مناظره

یکی دیگر از نمودهای استفاده از منطق استدلال و اقناع نظری مخاطب در نهادهای سازی از منظر قرآن استفاده از استدلال و مناظره (۱۹۸ نقل قول) است.
 فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا قَالَ هَٰذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ ﴿الأنعام، ۷۶﴾

هنگامی که (تاریکی) شب او را پوشانید، ستاره‌ای مشاهده کرد، گفت: «این خدای من است؟» اما هنگامی که غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم!»
 «جمله: «لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ» حجتی است یقینی و برهانی بر مبنای محبت و عدم محبت، نه حجتی عوامانه و غیر برهانی» (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۷ ص. ۲۵۹) در این آیه و آیات بعد نوع مواجهه حضرت ابراهیم با افرادی که ستاره، ماه و خورشید می پرستیدند مواجهه‌ای توأم با استدلال و مناظره است.
 لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ﴿الأنبياء، ۲۲﴾

اگر در آسمان و زمین، جز «الله» خدایان دیگری بود، فاسد می شدند (و نظام جهان به هم می خورد)! منزّه است خداوند پروردگار عرش، از توصیفی که آن‌ها می کنند!

• بیان فلسفه احکام

یکی دیگر از نمودهای استفاده از منطق استدلال و اقناع نظری مخاطب در نهادهای سازی از منظر قرآن بیان فلسفه احکام (۱۷ نقل قول) است.
 يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ﴿البقرة، ۱۸۳﴾

ای افرادی که ایمان آورده اید! روزه بر شما نوشته شده، همان گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید.
 «به دنبال چند حکم مهم اسلامی که در آیات پیشین گذشت در آیات مورد بحث به بیان یکی دیگر از این احکام که از مهم ترین عبادات محسوب می شود می پردازد و

آن روزه است و با همان لحن تأکیدآمیز گذشته می‌گوید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید روزه بر شما نوشته شده است آن گونه که بر امت‌هایی که قبل از شما بودند نوشته شده بود» (یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ)؛ و بلافاصله فلسفه این عبادت انسان ساز و تربیت‌آفرین را در یک جمله کوتاه اما بسیار پرمحتوا چنین بیان می‌کند: «شاید پرهیزکار شوید» (لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ). «مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۸۰، ج ۱ ص ۶۲۳»

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (البقرة، ۲۱۹)

درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آن‌ها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ (ولی) گناه آن‌ها از نفعشان بیشتر است؛ و از تو می‌پرسند چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود.» این چنین خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد، شاید اندیشه کنید!

• بیان کامل و بدون غلو و کاستی

یکی دیگر از نمودهای استفاده از منطق استدلال و اقناع نظری مخاطب در نهادهای سازی از منظر قرآن عبارت‌اند از بیان کامل و بدون غلو و کاستی در مواجهه با مخاطب مخصوصاً مخاطب مخالف.

مسئله «غلو» درباره پی‌شویان یکی از مهم‌ترین سرچشمه‌های انحراف در ادیان آسمانی بوده است، از آنجاکه انسان علاقه به خود دارد، میل دارد که رهبران و پی‌شویان خویش را هم بیش از آنچه هستند بزرگ نشان دهد تا بر عظمت خود افزوده باشد- گاهی نیز این تصور که غلو درباره پی‌شویان، نشانه ایمان به آنان و عشق و علاقه به آن‌ها است سبب گام نهادن در این ورطه هولناک می‌شود «غلو» همواره یک عیب بزرگ را همراه دارد و آن اینکه ریشه اصلی مذهب یعنی خداپرستی و توحید را خراب می‌کند، به همین جهت اسلام درباره غلات سختگیری شدیدی کرده و در کتب «عقاید» و «فقه» غلات از بدترین کفار معرفی شده‌اند. (مکارم شیرازی و دیگران ۱۳۸۰، ج ۴ ص ۲۲۱)

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ (النساء، ۱۷۱)

ای اهل کتاب! در دین خود، غلو (و زیاده‌روی) نکنید! و درباره خدا، غیر از حق

نگویید

• دعوت حتی از دشمنان

یکی دیگر از نمودهای استفاده از منطق استدلال و اقناع نظری مخاطب در نهادهای سازی از منظر قرآن که در مقابل دشمن و مخاطب مخالف صورت می‌گیرد و جنبه جذب حداکثری دارد این است که حتی با مخالفانی که دشمن هستند نیز باید از در دعوت و خیرخواهی وارد شد، آیاتی از قرآن کریم (۱۵ نقل قول) به این مهم اشاره دارد.

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (المائدة، ۷۴)

«احتمال دارد این استغفام مربوط به توبه و استغفار و به یادآور مغفرت و رحمت خدا باشد، احتمال هم دارد انکار و توبیخ باشد، بنابراین معنایش این می‌شود: چرا توبه و استغفار نمی‌کنند و در طلب مغفرت و رحمت خدا بر نمی‌آیند؟» (طباطبایی ۱۳۷۴، ۱۰۵ ج ۶)

أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا (النساء، ۶۳)

آن‌ها کسانی هستند که خدا، آنچه را در دل دارند، می‌داند. از (مجازات) آنان صرف‌نظر کن! و آن‌ها را اندرز ده! و بابیانی رسا، نتایج اعمال‌شان را به آن‌ها گو شزد نما!

أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَىٰ وَأَتُونِي مُسْلِمِينَ (النمل، ۳۱)

توصیه من این است که نسبت به من برتری جویی نکنید و به‌سوی من آیید درحالی‌که تسلیم حق هستید!

چنانکه ملاحظه می‌شود آیات فوق بر دعوت از مخالفان و دشمنان دلالتی صریح دارد

• مهلت به مخالف برای اندیشیدن

یکی دیگر از نمودهای استفاده از منطق استدلال و اقناع نظری مخاطب در نهادهای سازی از منظر قرآن که در مقابل دشمن و مخاطب مخالف صورت می‌گیرد و جنبه جذب حداکثری دارد، این است که به مخالفان فرصت اندیشیدن داده شود.

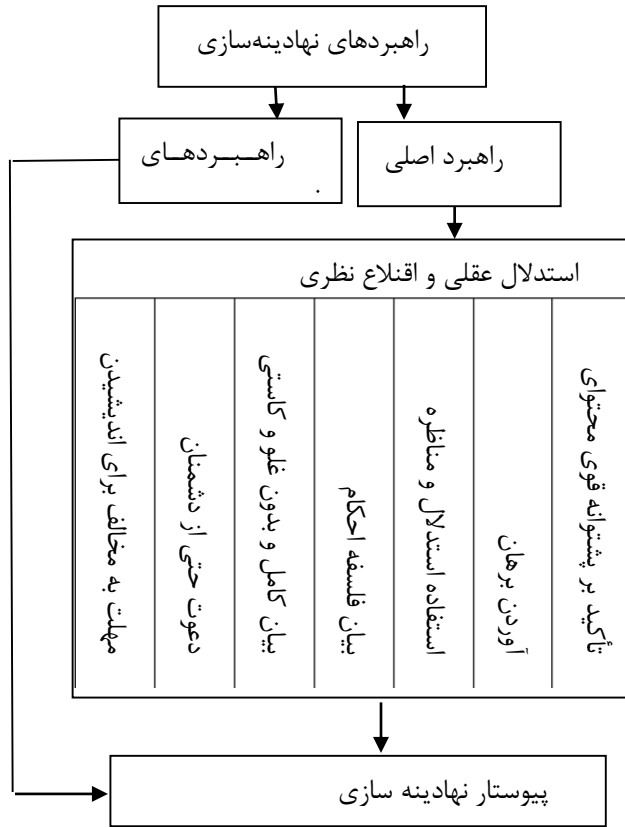
وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّىٰ يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ (التوبة، ۶)

و اگر یکی از مشرکان از تو پناهندگی بخواهد، به او پناه ده تا سخن خدا را بشنود (و در آن بیندیشد)! سپس او را به محل امنش برسان، چرا که آن‌ها گروهی ناآگاه‌اند!

«این آیه متعرض حکم پناه دادن به مشرکین است که پناه خواهی می‌کنند و می‌فرماید پناه‌شان بدهید تا کلام خدا را بشنوند و این سخن هرچند در خلال آیات برائت و سلب امنیت از مشرکین جمله‌ای معترضه و یا شبیه به معترضه است، لیکن گفتنش واجب بود، چون در حقیقت دفع دخل و جواب از توهمی بود که حتماً می‌شد. آری، اساس این دعوت حقه و وعد و وعیدش و بشارت و انذارش و لوازم این وعد و وعید یعنی عهد و پیمان بستنش و یا پیمان شکستنش و نیز احکام و دستورات جنگی‌اش همه و همه هدایت مردم است و مقصود از همه آن‌ها این است که مردم را از راه ضلالت به سوی رشد و هدایت برگردانیده و از بدبختی و نکبت شرک به سوی سعادت توحید بکشاند.» (طباطبایی ۱۳۷۴، ج ۹ ص. ۲۰۵) *فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ*

• خرده مدل راهبرد اصلی حاکمیت

با توجه به مطالب ارائه شده خرده مدل راهبرد اصلی حاکمیت در نهاده‌سازی فرهنگ که خود بخشی از مدل نهایی نهاده‌سازی فرهنگ از منظر قرآن^{□□□□} می‌باشد در قالب نمودار ۳ قابل مشاهده است؛ که در آن راهبرد اصلی و حاکم بر رفتار کارگزاران در فرایند نهاده‌سازی عبارت‌اند از استدلال عقلی و اقناع نظری که در کنار راهبردهای فرعی (در این مقاله راهبردهای فرعی بررسی نشده است) در پیوستار نهاده‌سازی فرهنگ مؤثر هستند.



نمودار ۳: خرده مدل راهبرد اصلی حاکمیت نهادینه سازی

نتیجه گیری و پیشنهادها

- یکی از نتایج این تحقیق تفاوت مفهوم نهادینه سازی بین نگاه قرآن و یافته های علمی است چنان که در ادبیات غرب اشاره شد مفهوم نهادینه سازی اشاره به فرایندی دارد که کارگزاران از آن فرآیند برای تثبیت و تعمیق ارزش های موردنظر خودشان اقدام می نمایند، اما از نگاه قرآن فرآیند نهادینه سازی در یک پیوستار مشاهده می شود و دارای بعد مثبت و منفی است به عبارت دیگر از منظر قرآن نهادینه سازی فرآیندی است پیوستار گونه که می تواند مثبت (رو به اعتلا) یا منفی (رو به انحطاط) باشد، جهت اعتلای آن برای کسانی است که درصدد تثبیت ایمان و جهت انحطاط آن برای کسانی است که درصدد تثبیت کفر هستند، کارگزاران و

مدیران اداره سازمان‌های خرد و کلان (خصوصی و دولتی) باید همواره به این نکته اساسی توجه داشته باشد که در کدام سمت پیوستار حرکت می‌کنند.

• الگوی نهادهای سازی در مرکز خود دارای یک پیوستار است در پیوستار نهادهای سازی از منظر قرآن بُعد مثبت آن را می‌توان در چهار مرتبه دیانت (مسلمین، مؤمنین، محسنین و معصومین) در نظر گرفت که سیر صعودی داشته و کارگزاران نهادهای سازی همچنانی که در الگو قابل مشاهده است در سه مرتبه اول سعی می‌کنند با تثبیت الزامات مربوط به آن (اجزای اصلی فرهنگ مطلوب اسلامی) مقدمات ارتقای سطح دیانت به مراتب بالاتر را فراهم کنند و همچنین سعی می‌کنند مخاطبان غیرمسلمان را به درجات بالاتر هدایت نمایند تا وارد سیر صعودی شده و مراتب را تا رسیدن به قرب الهی ادامه دهند. در مقابل نیز سیر سقوطی پیوستار قرار دارد که شیاطین انس و جن (کارگزاران نهادهای سازی کفر) در تلاش هستند با رخنه در مراتب ایمان مخاطبان آن‌ها را به درجات پایین‌تر برده و به‌سوی انحطاط و کفر و نابودی بکشانند.

• در جمع‌بندی مطالب این نوشتار می‌توان به این مطلب اشاره کرد که از منظر قرآن مخاطب شناسی به معنای شناخت دسته‌های هر گروه از مخاطبان، در تثبیت و تعمیق ارزش‌ها نقش محوری دارد، به عبارت دیگر این مهم است که کارگزاران نهادهای سازی مخاطب خود را از حیث داخل اسلام بودن یا خارج از اسلام بودن بشناسند، یا مخاطبان داخل اسلام در چه سطحی هستند نوع برخورد با هر دسته متفاوت است چنانچه این موضوع در فرایند و مراحل آن نیز تأثیرگذار است. از منظر قرآن کریم راهبرد اصلی و حاکم بر رفتار کارگزاران در فرایند نهادهای سازی عبارت‌اند از استدلال عقلی و اقناع نظری آن‌ها، به عبارت دیگر راهبرد اصلی در پیوستار نهادهای سازی از منظر قرآن کریم راهبرد استدلال و اقناع نظری است، که این امر از نوع مواجهه قرآن با مخاطب‌های خود در تمامی سطوح قابل مشاهده است.

پیشنهادهای: پیشنهادهای اساسی این تحقیق عبارت‌اند از:

۱. پیشنهاد می‌شود برای تکمیل کار این موضوع با توجه به منابع روای نیز موردبررسی قرار گیرد
۲. پیشنهاد می‌شود این موضوع با استفاده از مطالعات تاریخی در سیره حکومتی پیامبر اکرم و امیر مؤمنان علی علیه‌السلام موردبررسی قرار گیرد

۳. پیشنهاد می شود با در نظر گرفتن اقتضائات نظام جمهوری اسلامی ایران، مقدمات پیاده کردن این رویکرد در حکومت جمهوری اسلامی فراهم شود.

فهرست منابع

- منابع فارسی
- قرآن
- حسینی، نجمه، & عباسی، عفت. (۱۳۹۱). *راهکارهای نهادهای سازی کردن اخلاق حرفه‌ای در سازمان/از دیدگاه آموزه‌های دینی*. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۵(۱)، ۱۲۹-۱۵۴.
- درودی، مجتبی، اخلاقی، عبدالرحیم، شیخی، محمدحسین، رحیمی، محمدرضا، & عوفی، وحید. (۱۳۹۵). *جستارهای در سیاست‌های کلی نظام اداری*. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- رحیمی، محمدرضا. (۱۳۹۱). *نهادهای سازی وجدان کاری با رویکرد اسلامی*. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۵(۱)، ۵-۳۰.
- گرامشی، آنتونیو. (۱۳۸۳). *دولت و جامعه مدنی* (ترجمه میلانی عباس، تهران: نشر اختران).
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۸۸). *پرسش‌ها و پاسخ‌ها (۱-۵) (مشکات) مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم*.
- مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). *جامعه و تاریخ*. قم: سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر مبین.
- مطهری، مرتضی. (۱۳۹۲). *مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی*. قم: انتشارات صدرا.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* (Vol. 1). قم - ایران: اسماعیلیان.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن* (Vol. 1). قم - ایران: اسماعیلیان.
- طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰). *المیزان فی تفسیر القرآن* (Vol. 1). بیروت - لبنان: موسسه العلمی للمطبوعات.
- قلی‌پور، آرین. (۱۳۸۴). *نهادهای و سازمانها (اکولوژی نهادی سازمانها)*. تهران: انتشارات سمت.
- کارگروه‌بنیادین مدیریت اسلامی. (۱۳۹۷). *نقشه جامع مدیریت اسلامی (نجما) ویرایش ششم*. قم: دانشگاه قم.

- مکارم شیرازی، ناصر، & دیگران. (۱۳۸۰). *تفسیر نمونه* (Vol. 1). تهران - ایران: دار الکتب الاسلامیه.
- موسوی خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۶). *صحیفه امام* (Vol. 21): تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- وثوقی‌راد، وحید. (۱۳۹۷). *طراحی و تبیین الگوی قرآنی نهاده‌ساز* فرهنگ‌سازمانی/از منظر قرآن. (رساله دکتری)، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
- وثوقی‌راد، وحید، رضائیان، علی، نقی‌پورفر، ولی‌الله، & نوروزی‌فرانی، محمدتقی. (۱۳۹۷). ماهیت و مفهوم نهاده‌ساز از منظر قرآن. *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۱۷، ۶۱-۸۲.

۶. منابع لاتین

- Blyth, Mark. (2003). Structures do not come with an instruction sheet: Interests, ideas, and progress in political science. *Perspectives on politics*, 1(04), 695-706 .
- Fundamental Working Group on Islamic Management. (2019). *Comprehensive map of Islamic management (Najma)*, sixth edition. Qom: Qom University.
- Gholipour Aryan(2005) Institutions and organizations (Institutional Ecology of Organizations): Tehran Samat Publications (in Persian)
- Hall, Peter A., & Taylor, Rosemary C. R. (1996). Political Science and the Three New Institutionalisms*. *Political Studies*, 44(5), 936-957. doi:10.1111/j.1467-9248.1996.tb00343.x
- Hay, C. (2002). *Political Analysis: A Critical Introduction*: Palgrave Macmillan.
- Hay, Colin, Lister, Michael, & Marsh, David. (2006). *The state : theories and issues*. Houndmills, Basingstoke, Hampshire ; New York: Palgrave Macmillan.
- Lawrence, Thomas B, Winn, Monika I, & Jennings, P Devereaux. (2001). The temporal dynamics of institutionalization. *Academy of Management Review*, 26(4), 624-644 .
- Makārim, S. N. (2000). *Tafsīr-i numūnah*: Tafsīr va bar'rasī-i tāzah'i dar bārah-i Qur'ān-i Majīd bā dar nāzar giriftan-i niyāz'hā, khvāsthā, pursishhā, maktabhā va masā'il-i rūz. Tihrān: Dār al-Kutub al-Islāmiyah (in Persian)

- Mousavi Khomeini, Ruhollah(2006) *saḥīfah-i Imām..* Tihrān: Mu'assasāt-i tanzīm va nashar-i asār Imām Khumaynī(in Persian)
- Schmidt, Vivien(2006) Institutionalism. In Colin Hay, Michael Lister, & David Marsh (Eds.), *The State: Theories and Issues.* (pp. 98-117). Houndmills, Basingstoke, Hampshire ; New York: Palgrave Macmillan: Basingstoke.
- Somit, A., & Tanenhaus, J. (1982). *The Development of American Political Science: From Burgess to Behavioralism:* Irvington Publishers.
- Ṭabāṭabā'ī, M. H., In Bāqir, S. A., & Ḥaydarī, K. (1996). *al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān.* (in Persian)
- Ṭabāṭabā'ī, M. H., In Bāqir, S. A., & Ḥaydarī, K. (2012). *al-Mīzān fī tafsīr al-Qur'ān.* (in Persian)
- Vosooqirad Vahid(2018) *Designing and Explaining the Qur'an Model of the Institutionalization of Organizational Culture*(Ph.D. Thesis) (in Persian)
- Vosooqirad Vahid, Ali Rezaeian, Valiullah Nagipurfar & Mohammad Taghi Norouzi (2018) *The Essence and Concept of Institutionalization from the viewpoint of the Quran Islām va Pazhūheshhāye Modirīyatī* Vol.7. No.2, pp. 61-82(in Persian)
- Rahimi Mohammad Reza(2012) *Institutionalizing Conscientiousness in the Light of Islamic Approach Islām va Pazhūheshhāye Modirīyatī*, Vol.2. No.1, pp. 5-29(in Persian)
- Hussein Najmeh & Abbasi 'Effat '(2012) *The Modus Operandis for Institutionalizing Professional Ethics in Organizations according to the View of Religious Doctrines Islām va Pazhūheshhāye Modirīyatī*, Vol.2. No.1, pp. 5-29(in Persian)
- Doroodi Muḥtaba, Akhlaqi Abd al-Rahim , Sheykhi Mohammad Hussein, Rahimi Mohammad Reza & Oghi Vahid (2016) *A review of the general policies of the administrative system.* Imam Khomeini Educational and Research Institute.(in Persian)
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2009). *Questions and Answers (1-5)* (meshkat) Imam Khomeini Educational and Research Institute قم, Qom. (in Persian)
- Misbah Yazdi, Mohammad Taqi. (2012). *Society and history.* Qom: Islamic Propaganda Organization. Mobin Publishing Company. (in Persian)
- Motahari, Morteza. (2013). *An Introduction to the Islamic Worldview.* Qom: Sadra Publications. (in Persian)

□. برای مطالعه تفصیلی مراحل چهارگانه فوق به وثوقی‌راد، و.ع. رضائیان، و.ا. نقی‌پورفر & م. نوروزی‌فرانی (۱۳۹۷) ماهیت و مفهوم نهاده‌سازی از منظر قرآن. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۷، ۶۱-۸۲. رجوع شود.

□□ الگوی نهایی نهاده‌سازی فرهنگ از منظر قرآن را می‌توان به ۸ بُعد (مقوله اصلی) تقسیم نمود که هرکدام از آن‌ها دارای (مقوله‌های محوری) می‌باشند. (وثوقی‌راد ۱۳۹۷) □□□. برای مطالعه بیشتر و دیدن مستندات قرآنی رجوع شود به وثوقی‌راد، و.ع. رضائیان، و.ا. نقی‌پورفر & م. نوروزی‌فرانی (۱۳۹۷) ماهیت و مفهوم نهاده‌سازی از منظر قرآن. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، ۱۷، ۶۱-۸۲.

□□. با توجه به محدودیت در این بخش از ارنه مستندات قرآنی این ویژگی‌ها اجتناب می‌شود که برای مطالعه به متن پایان‌نامه ارجاع داده می‌شود. وثوقی‌راد، و. ۱۳۹۷. طراحی و تبیین الگوی قرآنی نهاده‌سازی فرهنگ‌سازمانی از منظر قرآن. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).

□ توضیح این سه مرتبه از دیانت در بخش مربوط به مخاطب شناسی خواهد آمد □□ البته می‌توان مرتبه چهارم را نیز در نظر گرفت که این مرتبه در معصومین است و چون این مرتبه خارج از فرایند نهاده‌سازی است از آوردن آن اجتناب می‌شود زیرا این مرتبه مخصوص بندگان خاص خداوند می‌باشد، در این مرتبه از تثبیت ارزش‌ها عنایتی است از جانب خداوند نسبت به بندگان خاص خود. وَ لَوْ لَا أَنْ نَبِّئُكَ لَقَدْ كُنْتَ تَرْكُنْ إِلَيْهِمْ شَيْئاً قَلِيلاً (الإسراء، ۷۴) برخی مفسران معتقدند که مقصود از تثبیت، عصمت افاضه شده از جانب خداوند استطباطبایی، م. ۱۳۷۴. المیزان فی تفسیر القرآن. قم - ایران: اسماعیلیان.

□□□. اعداد بیان شده به عنوان نقل قول نشانگر تعداد آیاتی است که محقق در جریان تحقیق در تایید این برداشت خود از آنها استفاده کرده است که به خاطر محدودیت فقط به یک آیه اشاره می‌شود.

□□□□. در مقدمه به عناوین دیگر مؤلفه‌های الگوی نهاده‌سازی فرهنگ‌ساز از منظر قرآن اشاره شده است که برای مطالعه به متن پایان‌نامه ارجاع داده می‌شود. وثوقی‌راد، و. ۱۳۹۷. طراحی و تبیین الگوی قرآنی نهاده‌سازی فرهنگ‌سازمانی از منظر قرآن. قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).